

ماریا ماتیلدا (۱۸۶۴ - ۱۹۳۹)



ماریا ماتیلدا آکیلویه در ماه آوریل ۱۸۶۴ در شهر مانی موسک ایالات ابردین شایر اسکاتلند به دنیا آمد. پدرش رورند الکساندر دکترای حقوق و رئیس بیمارستان رابرت گوردون که بعداً تبدیل به یک کالج گردید و مادرش ماریا نیکول بود.

ماریا می در سن نه سالگی به یکی از مدارس شبانه روزی غیرانتفاعی در ادینبورگ فرستاده شد و تا ۱۸ سالگی در آنجا ماند و همزمان تبدیل به نماینده دانش آموزان و بهترین دانش آموز از نظر نمرات گردید.

در ۱۸ سالگی و پس از پایان تحصیلات دبیرستان او را به آکادمی سلطنتی موسیقی لندن فرستادند و با هوش و استعداد فوق العاده ای که از خود نشان داد پس از مدتی تبدیل به یک استاد پیانو گردید. پس از گذشت یکسال و کسب چنین موفقیت بزرگی به این نتیجه رسید که موسیقی، ایده آل زندگی او نمی باشد. لذا به کالجی در ادینبورگ و سپس به دانشگاه لندن رفت و در ۱۸۹۰ در رشته علوم گرایشهای زمین شناسی، گیاه شناسی و جانورشناسی فارغ التحصیل شد. یک سال بعد با جدیت آنچه را سالها آرزویش را داشت یعنی تحقیقات علمی در دانشگاه مونیخ آغاز کرد و این در حالی بود که درخواستش به عنوان دانشجو از سوی دانشگاه برلین بخاطر زن بودنش رد شده بود.

در دانشگاه مونیخ تحت نظر استادش کاری وان ذتیل که یک فسیل شناس بود، کار بر روی موضوع زمین شناسی ناحیه کوهستانی و صعب العبور شلاندراخ و کورتیاد آمپزو را که از کوچکترین جاده و مهمانخانه ای برخوردار نبود، آغاز نمود. به دلیل کوهستانی بودن محل کار، کوهنوردی را نیز فراگرفت. موضوع اصلی تحقیقات می ساختمان زمین شناسی و فسیل ها موجود در دولومیت‌های ناحیه بودند که در نهایت منجر به تهیه مقالات مهمی که اکثراً به زبان آلمانی بودند گردید. پس از انتشار مقاله ای در مورد عوامل دخیل در وضعیت چینه شناسی یکی از مناطق واقع در منطقه کوهستانی بین مرز اتریش و ایتالیا در ۱۸۹۳ در مجله کوارترلی جامعه زمین شناسی نائل به اخذ درجه دکتری از دانشگاه لندن گردید. اما اهمیت این موفقیت بزرگ به خصوص برای جامعه جهانی زمانی جلوه بیشتری می یابد که بدانند که این درجه دکتری اولین درجه دکترایی بود که تا آن زمان در رشته زمین شناسی به یک زن داده می شد.

ماریا با کسانای چون سر آرکیبالد گایکی، ویلیام تایللی و چارلز لپ ورث و بعدها با دوستان اسکاتلندی دیگری چون دکترها بنجامین پیچ و جان هورن ارتباط علمی داشت. در سالهای بعد تفسیر جدید دیگری درباره وضعیت تکتونیک و زمین شناسی ساختمانی کوههای آلپ ارائه نمود و در آن نشان داد که شرق و غرب تاقدیس ها و چین ها توسط سطوح تراستی شرقی و غربی بریده شده و در آلپ مرکزی به سوی شمال رانده شده اند. یکی از نکاتی که این تحقیق برای او به همراه داشت این بود که به وجود دو فاز چین خوردگی و تغییر شکل یافتگی ساختمانی در آن محل پی برد. به خاطر بررسی های فراوانی که طی سالها در این زمینه داشت، موفق به شناسایی کلیه حرکات تراستی ناحیه در منطقه گردید و در سرتاسر عمر خود نیز به همین موضوع پرداخت و سرانجام در ۱۹۰۰ به وی درجه دکتری اعطا شد. تا آغاز قرن ۲۰ ماریا ۱۹ مقاله علمی منتشر و خود را به عنوان یکی از زنان زمین شناس دنیا به همه معرفی کرده بود.

کسی که وقایع زندگی او را می نویسد درباره اش چنین اظهار نظر می کند: "بی تردید ماریا پرکارترین زن زمین شناس صحرایی در سرتاسر دنیا در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بوده است".

در طول عمرش ۳۰ مقاله منتشر کرد و در ۱۹۲۷ نیز کتابی درباره دولومیت های تایرون منتشر کرد که بعدها تبدیل به یک کتاب مرجع گردید. ترجمه کتاب استاد آلمانی اش کارذتیل با عنوان تاریخ زمین شناسی و فسیل شناسی در ۱۹۰۱ از سوی اهل علم به عنوان یک همراه عالی برای زمین شناسی در صحرا دانسته شده است.

در ۱۹۲۲ انجمن زمین شناسی لندن به پاس زحمات بی دریغش وی را لایق دریافت نشان لایل دانست.

ماریا در ۱۸۹۵ با یک پزشک ازدواج کرد که حاصل آن سه فرزند بود. با وجود همه فرزندان هیچگاه مانعی سر راه تحقیقات بدون مزد خود در صحرا حس نکرد. اما از کارهای جالب زندگی ماریا در ۱۹۱۹ و پس از مرگ همسرش بود که حزب لیبرال انگلستان پیوست و پس از مدتی به عنوان اولین رئیس دادگاه ناحیه لندن معرفی و به شدت درگیر اداره چندین انجمن و گروه حافظ حقوق زنان گردید و در ۱۹۱۶ به مقام ریاست شورای ملی زنان بریتانیا و ایرلند (چندی پس از آن به مقام معاونت شورای بین المللی زنان ارتقاء یافت) و در ۱۹۱۹ به مقام کمیته نمایشگاه بهداشت کودکان و کارهای دستی زنان رسید. پس از پایان جنگ جهانی اول نقش مهمی در مذاکرات شورای نمایندگان زنان در اتحادیه ملل ایفا نمود و به پاس انجام زحمات بود که موفق به دریافت جایزه مهم دیگری از دست شاه جورج ششم با نام D.B.E گردید. [Dame

Lommander at the Order at British Empire این عنوان برابر با عنوان Sir یا شوالیه برای مردان در انگلستان می باشد. - مترجم].

خود ماریا درباره ایامی که در صحرا برای تکمیل تحقیقاتش گذرانده بود چنین می گوید:
"کار برای من لذتبخش بود و من روزهایی را به یاد می آورم که هر لحظه انتظار کشف پدیده ای تازه در یک گوشه از صحرا داشتم و آن شادترین روزهای عمر من بود."
دیم ماریا سرانجام در خانه اش در لندن در ماه ژوئن ۱۹۳۹ زندگی را بدرود گفت و خاکسترش را در گورستانی در ابردین قرار دادند.

منبع: About.com

مترجم: سیروس امینی